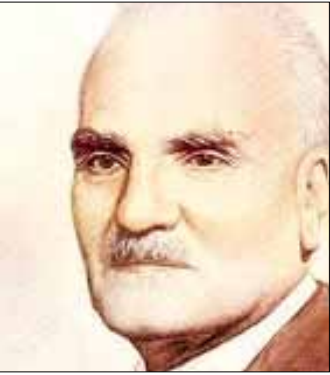


تاریخ روشنفکری

سیدحسن تقی‌زاده؛ انقلابی با محافظه کار

سهند ستاری

■ از متن فعالیت کار روشنفکری و متوالفکرانه اندیشه‌پردازان نسل پیش از مشروطیت و دوران نخست تجربه مشروطه‌خواهی که بگذریم با طیفی از فعالان و نظریه‌پردازان سیاسی روبه‌رو می‌شویم که فعالیت دوره دوم روشنفکری مشروطیت را راهبری می‌دارند. روشنفکرانی که به‌رغم تأکید گذشتگان بر اخذ تمدن غربی، جامعه متجدد ایران را با مفاهیم تخصصی مدرن غربی آشنا کردند. سید حسن تقی‌زاده از رهبران انقلاب مشروطیت و یکی از روشنفکران و رجال سیاسی مناقشه‌برانگیز تاریخ معاصر ایران است که به سبب تغییر مواضع صریح و گاه محافظه کارانه‌اش هم در زمره متفکران متعارض و هم تثبیت یافته‌قرار گرفته است که به کفایت حجم ستون روزنامه به سیر ترتیب زمانی حضورش در تاریخ روشنفکری ایران خواهیم پرداخت. سیدحسن تقی‌زاده به سال ۱۲۵۶ خورشیدی در خانواده‌ای روحانی و مذهبی در تبریز متولد شد. از چهار سالگی به مدت یکسال و اندی و با حمایت پدر، قرآن را ختم کرد. در هشت سالگی به تحصیل مقدماتی عربی پرداخت و از چهارده سالگی به تحصیل علوم عقلی و ریاضیات و نجوم و هیات مشغول شد. بعد‌ها علوم جدید را در مدرسه آمریکایی و سپس زبان فرانسه را دور از چشم پدر در خفا فرا گرفت و در این دوران با سیمیرا محمدعلی خان تربیت آشنا شد. در بیست سالگی و به دنبال آشنایی با مکتوبات طالبوف تبریزی و ملکم خان و دیگر نویسندگان متجدد روزنامه‌های اختر و پرورش، نسبت به علوم جدید غربی و افکار آزادی خواهانه و ضداستبدادی متمایل گشت تا بدانجا که به همراه تربیت و جمعی از دوستان اقدام به تشکیل مجالعی روشنفکرانه در تبریز کردند و در پی قصد ایجاد مدرسه‌ای بنام تربیت، خود را در مقابل مخالفت‌های شدید مخالفان ناتوان دیدند و به ناچار برای آشنایی با اصول آزادی خواهی و ملی گرایی، اقدام به تاسیس کنافروشی تربیت کردند که در دوران استبداد صغیر آنجا را به آتش کشیدند و



تقی‌زاده در حالی که فعلیت تجدد طلبانه خود را همچنان با انگیزه دنبال می کرد با همکاری دوستانش، دوقفته نامه گنجینه‌فنون را منتشر ساخت که پس از دو سال انتشار به علت سفر او به خارج، قطار این نهاد تجددخواهی نیز متوقف شد. وی پس از بازگشت به وطن و در پی افتتاح دوره اول مجلس شورای ملی که میزبان نمایندگان اصناف بود از سوی تجار تبریز انتخاب شد و از بدو شروع کار مجلس، در صف مخالفان تندروی ضداستبدادی قرار گرفت. او در این دوره به تدوین ستم قانون اساسی مشروطه که مبنی بر تفکیک قوای سه گانه و اعاده حقوق ملی- مردمی بود، پرداخت و در متن گفت‌وگوهای همین هیات، دیدگاه‌ها و نگرش‌های مجلسی را با یاب شریعت و عرف جامعه مشخص شد. در پی به توپ بستن مجلس، وی و دوستانش به سفارت انگلیس پناه بردند و به واسطه آنان از کشور خارج شدند اما چند سال بعد در پی تشدید انقلاب مردمی بر علیه محمدعلی شاه و استبداد، مخفیانه به ایران بازگشت و وظایف انقلابیون را طی یک سخنرانی کامل در انجمن ایالتی گوشزد کرد؛ درحند با ظهور ستارخان و باقر خان در این دوره که بیشتر با جلب نظر مردم آزادی‌خواه و جنبش توده عوام مردم همراه بود، باعث شد تا تقی‌زاده را به عنوان متفکری برای خواص و روشنفکران بشناسیم. وی در انتخابات دوره دوم مجلس نیز به عنوان نماینده تبریز-انتخاب شد و رهبری فراکسیون دموکرات را بر عهده گرفت تا بدین باب مخالفت‌های جدی و خشم مخالفان را بر علیه خود برانگیزد. به دنبال بیم از متهم ساختن وی بر قتل عبدالله بهبهانی از ایران گریخت و تا سال‌ها به ایران نرگشت. در دوره سوم و چهارم غیابا به نمایندگی انتخاب شد اما وکالت مردم را نپذیرفت و در اوج تجلی یک رفتار و اندیشه متناقض با مشرفه جنگ جهانی اول به حمایت از آلمان برآمد و به فعالیت‌های ضدروسی و ضدانگلیسی پرداخت. پس از پایان جنگ با انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس پنجم وارد تهران شد و با جابه جایی سلطنت مخالفت کرد. او به همراه سبایسون مخالف رضاشاه به نمایندگی مردم تهران وارد مجلس ششم شد اما در پایان این دوره به سبب سلبیه رضاشاه مبنی بر مطیع ساختن مجلس، از انتخاب افرادی چون تقی‌زاده جلوگیری کرد؛ در چند وی در دوران سلطنت رضاشاه به مناصب مهم استانداری، وزیر مختاری، سفارت و وزارت دارایی منصوب شد اما بعدها نیز دو بار به عنوان سناتور از جانب مردم تهران و تبریز وارد مجلس شصتا شد و تفکر محافظه کارانه خود را در قبال فعلیت چپگرایانه آرمانی دوران میانسالی زندگی سیاسی‌اش ابراز داشت. دوره حیات فکری تقی‌زاده را می توان به دو بخش انقلابی و مبارزی تندرو و محافظه کاری تمام عیار تقسیم کرد. تقی‌زاده نیز در متن کار فکری خود از کشش یک روحیه متناقض در امان نماند و مدام فریاد زد: «ایران باید ظاهر و باطن، جسم‌او روح‌افرنگی یابد شود و پس.»

مردم و حکومت در ایران قبل از اسلام

تندیس‌سازی از قدرت

احمد رضا نجفی

اولین حکومت در ایران بعد از ورود آریایی ها توسط قوم ماد تشکیل شد. مادها بعد از ورود به ایران و ساکن شدن در مناطق غربی همواره با تهاجم وحشیانه آشوریان روبه‌رو بودند. ضرورت مقابله با دشمن، قبایل ماد را بر آن داشت تا برای تشکیل دادن یک اتحادیه، فردی را به عنوان شاه انتخاب کنند. پس به این منظور به کسی که پیش از آن محل رجوع مردم بوده و توانایی خود را در حل اختلاف میان قبایل نشان داده بود مراجعه کرده و وی را به عنوان پادشاه برگزیدند.

دیا‌اکو فرزند فرور تیش بعد از انتخاب از طرف مردم، پایتخت خود را در شهر هگمتانه (همدان امروزی) با ساختن هفت قلعه تودرتو و قرار دادن قصر خود در قلعه هفتم آغاز کرد. او در اولین قدم با طرح ادعایی تلاش کرد تا با ایجاد فاصله میان خود و مردم از خود یک چهره آسمانی و دارای قدرتی منشعب از قدرت خدایان را به نمایش بگذارد. با توجه به شیوه زندگی پیشین آریایی‌ها قبل از ورود به ایران که در یک ساختار قبیله‌گی و کوچ نشینی به سر می‌بردند و تنها فرد قدرتمند همان رئیس قبیله بود، نمی‌توان بر این اعتقاد بود که این تفکر (ناشی شدن قدرت شاه از خدایان) با آریایی‌ها به ایران وارد شده است. بلکه محتمل است ریشه این تفکر از منطقه بین‌النهرین و مصر به ایران منتقل شده باشد. (میراث باستانی ایران، ص ۱۵۶)

پادشاه ماد برای اینکه این جایگاه را میان مردم خود رسمیت دهد سعی کرد تا در مراسم عمومی (بارعام) از صحبت مستقیم با مردم پرهیز کند. او برای بار، مراسمی را مقرر کرد که به احتمال زیاد به تقلید از دستگاه پادشاهی آشور چنین کرده باشد. کسی نمی‌توانست با شاه رودرو شود. دادخواست‌ها را، پیامبران نزد او می‌بردند. این آیین و تشریفات دیگر، بدان منظور وضع شده بود تا با دشوار کردن دسترسی به شاه، ترس و احترام را در مردم القاء کنند.

اولین شیوه‌ار تباطـ و مردم با حاکـم منتخب خود این گونه آغاز شد و این نوع نگاه با رنگ و لعاب بیشتری در دوران حکومت هخامنشیان ادامه یافت.

بنای عظیم امپراتوری هخامنشی بر یک احساس واحد اتکا داشت، یعنی وفاداری به خاندان شاهی که مردم او را اتحاد خدایان حرمت می‌گذاشتند.

پیروزی‌های درخشان دو بنیانگذار سلسله هخامنشی باعث شد تا خاطره آنان در هاله‌ای از شکوه جاودان قرار بگیرد و ایرانیان چون باور داشتند که پادشاهان آنها در هاله‌ای که نگارگران به حق آن را «شکوه» و «وستایی khvareno» «خورنو» و به فارسی دری «فـر» می‌خوانند، قرار دادند از این رو این شکوه را تندیس می‌انگاشتند. (ایران و تمدن ایرانی، ص ۷۱). شاه در واقع مرکز نقل سازمان سیاسی ایران به حساب می‌آمد. او یگانه تصمیم گیرنده نهایی، تنها ذات اهورایی و یگانه بشر الهی در روی زمین بود که تمام مردم موظف بودند فرامین این «ذات مقدس شهریاری» را بی‌چون

و چرا به مرحله اجرا در آورند و احتمال کمترین خطا و کژی در آن ندهند. پادشاه خود را شاه شاهان می‌نامید و جز خود قانونی و معیاری دیگر برای ارزشیابی و تعیین خوبی‌ها و بدی‌ها نمی‌شناخت.

او با جانداختن ادعای داشتن تقدس و جنبه‌هایی از الوهیت یگانه مقام شایسته برای فرمانروایی بر کشور تلقی می‌شد.

شاه ایران، سلطان خداهای بود که دورا دور بر مملکت خویش فرمانروایی می‌کرد و تمامی با عامه مردم نداشت. تمام زبردستان شاه تا دور ترین نقطه امپراتوری حتی گماشتگان دولت و سرداران سپاه، بندگان شاه بودند.

هیچ چیز نمی‌توانست قدرت مطلق شاه را محدود کند. تفکر رایج آن بود که شاه مورد تایید خدای بزرگ اهورا مزدا ست و به فضل او فرمانروایی می‌کرد.

او کوشش داشت تا خواست خدایان و یاری آنان را شالوده قدرت سیاسی خویش جلوه دهد و با استفاده از این موضوع جامعه را پیر و خود ساذ.

داریوش در بند چهارم از کتیبه نقش رستم می‌گوید:

(داریوش شاه می‌گوید: وقتی اهورامزدا دید که کار این زمین مختل گشته آن را به من سپرد. مرا شاه کرد. من شاهم به فضل اهورامزدا. من آن را به ترتیب

صحیح در آوردم. (ایران باستان، کتاب پنجم، ص ۱۴۵۲).

از زمان پادشاهی اردشیر دوم به بعد، پادشاهان الهه میترا را به عنوان بخشنده فره پادشاهی بزرگ می‌دانند و در سوگندهای خود وی را گواه می‌گیرند و در نزد ها به یاری‌اش می‌طلبند.

(ایران و تمدن ایرانی، ص ۷۹). با فروپاشی امپراتوری هخامنشی و تسلط اسکندر مقدونی بر ایران، شرایط حاکم بر کشور و نوع نگاه مردم ایران به شخص حاکم و همچنین شیوه برخورد با وی باعث شد تا اسکندر مقدونی نیز در روش خود تغییر ایجاد کند. با توجه به اینکه شیوه اولیه حکومت وی یک حکومت مطلق نبود او باوجود اینکه در میان اشراف و امراء مملکت خود شخص اول محسوب می‌شد اما با آنان در مجالس و جشن‌های می‌نشست و در امور دولتی نیز با مجلس مشورت که مرکب از رجال مجرب مملکت بود مشورت می‌کرد. رجال مزبور در اظهار عقیده آزاد بودند اما اسکندر پس از حضور در ایران متوجه شد که نمی‌تواند این ترتیبات را در اینجا اجرا کند. چرا که طرز رفتار یونانی‌ها و مقدونی‌ها موافق ترتیبات مشرق زمین نبود و موجب بروز اختلاف می‌شد. پس اسکندر ترتیبات دربار ایرانی را پیش گرفت و لباس پادشاهان هخامنشی را پوشید و از آن به بعد یونانی‌ها و مقدونی‌ها را نیز در موقع مراسم درباری مجبور کرد تا در برابر او زانو زنند.

تاریخ



این روند در دوران جانشینان اسکندر در ایران نیز همچنان ادامه داشت. در عصر سلوکی نیز شاه‌بالاترین مقام کشور و دارای قدرت مطلقه بود. دیاکونف درباره شاه و نزدیکان او نوشته است: «پادشاه در راس اداره کشور قرار داشت و تقریباً دارای قدرت نامحدود بود. مثلاً جمله زیر را به سلوکوس اول نسبت می‌دهند هر آنچه رای پادشاه باشد درست و عادلانه است.» (اشکانیان، ص ۲۰).

ویل دورانت بر این باور است که سلطنت استبدادی شرقی نشان داد که از دموکراسی یونانی نیرومندتر است. شاهان یونانی و امپراتوران رومی بر نسق سلاطین شرقی تبدیل به خدایان روی زمین شدند و فرضیه حقوق آسمانی شاهان از طریق روم به قسطنطنیه و بعد به اروپای جدید (با قرون وسطی) منتقل شد. (تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۱۶۳).

درخصوص دوران پارت‌ها یا همان اشکانیان اطلاعات کمتری در اختیار است. اما آنچه از منابع ارمنی، رومی، یونانی و سایر منابع برمی‌آید، این است که دولت اشکانی دولت بسطی نبوده، بلکه ایران در آن زمان به چند دولت کوچک‌تر تقسیم شده بود که این ممالک در امور داخلی خود استقلال داشتند. (حکومت ملوک الطوایفی).

ممکن‌انها از شاه بزرگ از این راه معلوم می‌شد که در موقع انتخاب شاه بزرگ در مجلس مشورت حاضر می‌شدند و در زمان جنگ سپاهی تهیه می‌کردند.

اشکانیان دارای یک حکومت مطلقه نبودند. زیر مجلس شورای ملی در آن نقوش، شاه‌سوار بر اسب از اهورامزدا که او نیز بر بود که امور مهم در آنجا حل و عقد می‌گردید. مجلس از شاهزادگان

اشکانی و روسای خانواده‌های درجه اول منعقد می‌شد. این مجلس اختیارات زیادی داشت.

به طور کلی باید گفت که پارتی‌ها به جهت دوری از بابل و آسور ترتیبات آریایی را بیشتر محفوظ داشته بودند. بنابر این روسای خانواده‌ها و طوایف اختیارات بیشتری داشتند. با شکست اشکانیان در سال ۲۲۴ میلادی و تصرف تیسفون توسط ساسانیان، تفکر حقوق آسمانی شاهان با شدت بیشتری باز تولید شد. اردشیر در نقش رستم کتیبه‌ای از خود به یادگار گذاشته که در آن نقوش، شاه‌سوار بر اسب از اهورامزدا که او نیز بر اسبی نشسته است حلقه بزرگی که نماد پادشاهی بود را می‌گیرد. اردشیر در آیین اوستا، یعنی ما دآگرای قدیم که با ظهور زرتشت، زندگی تازه‌ای یافته بود و در طی سکوت دیربای دوره‌های سلوکیان و اشکانیان توسط اتجنم‌های مغان گسترش پیدا کرده بود وسیله بسیار موثری برای حکومت شد. او و جانشینانش از آن دین کشوری ساختند که موبد موبدان یکی از بالاترین اعیان امپراتوری بود. دین بر صدر نشست و جایگاه خود را در

تخت جمشید را آتش‌پرستان می‌نامیدند و پادشاهان بابل برای اسکندر شکست خورد و فرار کرد.
باین پیروزی دروازه‌های بابل برای اسکندر گشوده شد. با ورود او به بابل برایش گل نثار کردند. او همچنین دستور داد معبد بعل را که خسارایش آخرا ب کرده بود بازسازی کنند. شهرهای بزرگ شاهی یکی بعد از دیگری سقوط می‌کردند. شوش هم بدون جنگ تسلیم شد. قشون اسکندر که حالا حسایی برای خود یک سپاه شده بود غنایم بسیار به دست آورد و خزانه شاهی را غارت کرد. خانواده داریوش هم که در تمام این مدت همراه اسکندر بودند در کاخ شوش اسکان داده شدند. شهریان آنجا هم به سمت خود باقی ماند. اسکندر که دیگر قانع کل ایران به حساب می‌آمد سپاهی مرکب از ۳۰ هزار جوان ایرانی تشکیل داد تا به طرز نظام غربی آموزش ببینند و همراه او باشند. وی به عنوان جانشین شاه قرار ی وارد فلات ایران داریوش نیز محو شده بود و اسکندر دیگر داماد و جانشین او محسوب می‌شد.

از این اثنا بود که کاخ تخت جمشید آتش گرفت. در مورد این آتش سوزی مثل هر چیز جالب دیگر دانشمندان حرف‌های خسته کننده زیادی زده اند. عده‌ای معتقدند که آتش زدن تخت جمشید در واقع تلافی کردن آتش سوزی اکروپولیس آتن بوده است و اسکندر به این ترتیب خواسته تا دق‌لش را سر ایرانی‌ها خالی کند. حالا بماند که اسکندر خودش چندتابی از شهرهای یونانیس را آتش زده بود. اما چرا می‌خواست آتش زدن‌های خشایارشا را تلافی کند؟ بنده‌ی اطلاع‌هم، بعضی‌ها می‌گویند حمله اسکندر به ایران انقدرها هم که حالا باب شده است

ربطی به یونانی‌ها ندارد. این آتش سوزی هم در اثر بی احتیاطی در یکی از مجالس باده‌نوشی وحشیانه بوده است و مشعلی در دستی لزان و قالی‌ها و پرده‌های وسیع تخت جمشید و سقف تمام جوب آن باعث شده تا حریق از کنترل خارج شود. چنانکه کاخ شوش هم در زمان اردشیر اول دچار حریق شد و وسعت خسارات آن به حدی بود که شاه آن را تعمیر نکرد و دستور داد یک کاخ دیگر برایش نزدیک آن درست کنند. در ثانی شوش پایتخت جهان بود نه تخت جمشید و اگر قرار بود انتقامی گرفته شود باید در شوش این اتفاق می‌افتاد و اسکندر بعد چهار ماه اقامت در تخت جمشید دیلیلی نداشته است که آن را آتش زنند. آن هم زمانی که مقاومت داریوش نیز محو شده بود و اسکندر دیگر داماد و جانشین او محسوب می‌شد.

کنار دولت مستحکم کرد. اردشیر برای اینکه حسیات مردم را با خود موافق کند به جمع‌آوری اوستا پرداخت و میخ‌ها را ترویج و آتشکده‌های خاموش را روشن و مذهب زرتشت را مذهب رسمی ایران کرد و در واقع با این کار دین و دولت را به هم پیوند زد.

در دوره ساسانیان مردم را به چهار طبقه تقسیم کردند. روحانیان، نظامیان، دیوانسالاران، کشاورزان و پیشه‌وران در راس تمام این تشکیلات پادشاه که همان شاه شاهان بود قرار داشت و در این زمان هاله یافره‌ایزی بیش از گذشته در وجود شاه خوندنمای می‌کرد.

به موجب رسوم و آیین دربار، شاه ساسانی نیز از مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق سیزدهم اسفند ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هرگونه امتیازی به خارجیان مخالفت کرده بود و در این جلسه مجلس را به حالت اعتراض ترک کرده بود.دکتر مصدق در هفتم آبان ۱۳۲۳ پس از آن که شنید دولت وقت می‌خواهد امتیازهای صنعتی و معدنی و اداره امور مالی کشور را به خارجیان بدهد و از جمله نفت شمال را در اختیار شوروی بگذارد، ضمن تطبق تند ی با دادن هر